

کارشناسان برنامه ارائه‌شده توسط عباس عراقچی را تحلیل می‌کنند

نه‌ظریف‌نه جلیلی

زهرا طبیبی- علی ملکی

گروه نقد روز

سید عباس عراقچی، وزیر پیشنهادهی رئیس‌جمهور، برنامه خود برای دستگا‌ه دیپلماسی را در چند روز اخیر تحویل مجلس داد. این برنامه با ۳۶ صفحه شامل مأموریت‌ها، اولویت‌ها و الزاماتی است که وزیر پیشنهادهی قصد دارد بر این مبنا، مسیر چهارساله خود را دنبال کند. عباس عراقچی در این برنامه به مواردی مثل، منطقه‌گرایی، نحوه رابطه با غرب و شرق اشاره می‌کند و وزارتخانه را تابع قوانین کشور از جمله سند چشم‌انداز، برنامه هفتم توسعه و مصوبات مجلس می‌داند. توجه به مسائل حوزه‌های مختلف دیپلماسی مثل دیپلماسی رسانه‌ای، پارلمانی، فضای مجازی، فرهنگی، قضایی، ورزشی، علمی و نخبگانی هم از موضوعاتی است که در این برنامه به چشم می‌خورد. به منظور بررسی جزئیات این برنامه و اهداف و وظایفی که عباس عراقچی برای ادامه راه جدید خود در وزارت امور خارجه تعریف کرده با کارشناسان حوزه سیاست خارجی و بین‌الملل؛ عبدالرضا فرجی‌راد، حسن بهشتی‌پور و حمیدرضا غلام‌زاده، گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

□□□

▀ **فرجی‌راد: برنامه‌عراقچی حاصل تجربه‌وزرای گذشته‌است**

عباس عراقچی در برنامه‌ای که در اختیار نمایندگان مجلس گذاشته، هم از «رابطه عزتمندانه با اروپا» گفته و هم به «تداوم روابط مستحکم با چین و روسیه و گسترش همکاری با اقتصاد‌های نوظهور نظیر هند، اندونزی، آفریقای جنوبی، برزیل» اشاره کرده است. عبدالرضا فرجی‌راد، کارشناس مسائل ژئوپلیتیک ضمن اینکه برنامه عراقچی را قابل قبول می‌داند، معتقد است که بدون رابطه با غرب نمی‌توان از ظرفیت‌های شرق استفاده کرد. متن کامل گفت‌وگوی «فرهیختگان» با این کارشناس مسائل ژئوپلیتیک را در ادامه می‌خوانید.

عراقچی تجربیات خوبی در سیاست خارجی دارد

عبدالرضا فرجی‌راد با بیان اینکه این برنامه مفصل و خوب است گفت که این برنامه بیشتر جنبه‌ها را کلام‌دار نظر گرفته، او دربارهٔ محورهای این برنامه افزود: «این برنامه به سه محور عزت، کسب ثروت و امنیت تأکید کرده است. مشخص است قانون اساسی را به‌ویژه درباره سیاست و روابط خارجی به خوبی دیده‌اند. همیشه مسائل امنیتی کشور را و مسائل مربوط به همسایگان و حوزه تمدنی ایران را دیده است. می‌شود گفت مجموعه‌ای از طرح‌ها و برنامه‌هایی است که قبلاً وزرای خارجه‌ای که می‌خواستند طرحی به مجلس ارائه دهند مطرح می‌کردند؛ الآن مقداری جمع‌وجور شده است. ایشان رابطه با شرق و غرب را دیده. اینها مسائلی ضروری است. مسائل مربوط به تحریم‌ها و هماهنگی بین وزارت خارجه و دستگاه‌های دیگر و هماهنگی با میدان دیده شده است. واقعیت این است که به نظر من به دست آوردن اینها تا زمانه ما به‌نوتوانیم دو اقدام اساسی انجام دهم، حاصل نمی‌شود. یکی از آنها این است که تعادلی در سیاست خارجی به وجود بیآوریم که پشتیبان هم از ایثنا که کاندید شدنند به این مساله تأکید کردند. ما تجربه خوبی هم در این زمینه داریم. مثلاً در دوره اصلاحات دیدیم که وقتی تعادلی به وجود می‌آمد، با روسیه، چین و اروپا خوب‌کار می‌کردیم. سرمایه‌هاوارد کشور می‌شد و سرمایه‌گذاری‌ها در بخش نفتی انجام می‌شد. حتی در دوره اول روحانی هم این تعادل با‌طوربه نسبی درسیاست خارجی دیدیم که نتیجه‌اش همین برجام بود. بازم تبادل سرمایه‌ها را داشتیم که منجر به خروج آمریکا از برجام شد و همه چیز بر هم خورد.»

ارتباط با شرق در گرو رفع تحریم‌هاست

فرجی‌راد معتقد است همه مواردی که در رابطه با حوزه تمدنی و همسایگان گفته شد، به رفع تحریم‌ها برمی‌گردد. او در این باره توضیح داد: «باید محور کار دولت جدید و وزارت خارجه رفع تحریم‌ها باشد. دولت‌های قبلی هم خیلی تلاش کردند که سیاست همسایگی و حوزه تمدنی و اعتمادسازی در منطقه را گسترش دهند. اما واقعیت این است که نتیجه چندانی نگرفتند. ما باید بتوانیم به راحتی و بدون دغدغه با آمریکا و اروپا گفت‌وگو کنیم و از این طریق یک اعتمادسازی نسبی به‌وجود بیآوریم و تحریم‌ها را برداریم و رفت و آمد‌های سیاسی را شروع کنیم. بعد می‌توانیم اظهار کنیم که درسیاست و روابط خارجی توانستیم به سمت جلو حرکت کنیم؛ کارهایی انجام دهم که اقتصاد ما از این وضعیت خارج شود. اعتقاد من این است که چه رابطه با غرب و چه رابطه با شرق و چه رابطه با همسایگان منوط به لغو این تحریم‌هاست و اینکه ما به یک توافق اساسی برسیم.

حتی‌من اعتقاد دارم اگر تحریم‌ها برداشته نشود، همکاری نزدیک با همسایگان و منطقه و گسترش فعالیت‌ها در حوزه تمدنی ایرانی و اسلامی اتفاق نمی‌افتد. علش هم این است که همه اینها تحرک و رفت‌وآمد سیاسی می‌خواهد. مهم این است که باید پول وارد کشور شود که به درستی در این برنامه به آن اشاره شده. شرق هم شرکت‌هایی دارد که در سطح دنیا فعالیت می‌کنند. آنها می‌دانند ایران کشوری غنی است و پشتوانه ایران منابع نفت و گازش است. اما با دنیای عرب و اروپا و آمریکا کار می‌کنند اما حاضر نیستند شرکت‌هایشان مورد تحریم غرب قرار بگیرد. در این برنامه از کشورهای چین و روسیه ن‌برد شده و اشکالی هم ندارد، چون چین یک کشور سرمایه‌گذار اصلی در دنیا شده اما واقعیت این است که تجربه چندسال گذشته ما نشان داده نتوانستیم با آنها کار کنیم. نه اینکه ما مقصر باشیم، بلکه تحریم‌ها اجازه نداد. بنابراین اعتقاد من این است که در این برنامه ضمن اینکه به رفع تحریم‌ها اشاره شده، باید به صورت جدی این مساله را در اولویت اول قرار دهم. اگر ما بتوانیم به یک راه‌حل در این رابطه برسیم، طبیعی است که گشایش‌هایی برای بقیه این برنامه انجام می‌شود که به نظر من مفید و مثبت و خوب بوده است. برنامه چندم اندازی که رئیس‌جمهور گفته و آقای عراقچی هم در این برنامه به آن اشاره کرده با بتوانیم به‌طور تدریجی دنبال کنیم و به نتیجه برسیم و آن‌شاءالله طرف یک یا دو دهه با تغییراتی که در برنامه چشم‌اندازی داده می‌شود با توجه به تکنولوژی‌های روز و تغییراتی که در دنیا انجام شده بتوانیم کار اساسی انجام «دیم.»

دیپلماسی فعال منطقه‌ای قابل تحسین است

این کارشناس مسائل ژئوپلیتیک یکی از موضوعات خوب برنامه عراقچی را «دیپلماسی فعال منطقه‌ای» دانسته و ادامه داد: «تزدک دو دهه است که در کشورها بحثی در روابط خارجه وارد شده به نام «سیاست همسایگی». در دانشگاه کتاب‌هایی هم نوشته شده. این خیلی خوب است. اولویت اول باید همسایه و منطقه باشد. اما واقعیت این است که در دولت سیزدهم هم تلاش‌هایی برای تحقق آن شده. آقای امیرعبدللهیان‌روابط عمومی بسیار خوبی داشت و جذاب بود. خیلی خالصانه گفت‌وگو می‌کرد. اما آن دستاوردی که مورد انتظار بود به دست نیامد. همان‌طور که ابتدا عرض

کردم، کشورها نگرانند بتوانند یک کار اساسی با ما بکنند. شما یک لوله گاز را بخواهید به شرق بدهید می‌گویند تحریم است. ما ۴ سال است که با چینی‌ها توافق ۲۵ساله انجام داده‌ایم. هنوز اما کار اساسی نشده. دولت قبل هم تلاش کرد اما نشد. چون ده‌ها و صدها شرکت باید وارد میدان کاری شوند و هرکدام گوشه‌ای از کار را بگیرند و ما هم باید درآمد داشته باشیم و نفت و گازمان را صادر کنیم و به قیمتت روز پول دربیآوریم. لذا در رابطه با همسایگان و شرق و غرب و اروپا تا این تحریم‌ها برداشته نشود و در سیستم بانکی بین‌المللی جذب نشویم و پول نتواند به راحتی برود و بیاید اتفاقی نمی‌افتد. من اعتقاد دارم که هر دولت و وزارت خارجه‌ای که می‌خواهد یک کار اساسی و ماندگار برای کشور انجام دهد ابتدا باید بتواند تفاهمی با غرب انجام دهد و رفت‌وآمد صورت بگیرد و اعتمادسازی شود. تجربه قبلی هم داریم. هیچ‌کدام از همسایگان ریسک نمی‌کنند. مگر ما با عراق کار نمی‌کنیم؟ پول مان آنجا گرو است. بسیاری از کالاها را به عراق صادر می‌کنیم اما پول‌مان آنجاگرو است. الان چندسال است که عراقی‌های می‌گویند پول می‌دهیم، وزیر نفت می‌گوید گرفتیم اما یک هفته بعد دوباره می‌بینیم پول آنجا درگیر است. اینها مسائل مهمی است.

خرده‌کاری مشکلات را حل نمی‌کند

فرجی‌راد با بیان اینکه ما نمی‌توانیم منابع را هدر دهیم گفت: «نمی‌توانیم نفت را ۳۰ تا ۴۰ درصد ارزان‌تر از قیمت بین‌المللی ارائه بدهیم. ما نمی‌توانیم کالا را به صورت قاچاق وارد کنیم و با چندبرابریقیمت از دلال‌ها خریداری کنیم. فرقی هم نمی‌کند. چه در رابطه با همسایگان، چه در رابطه با شرق و چه در رابطه با غرب باید یک اقتصاد روان مثل بقیه کشورها داشته باشیم و سیستم بانکی‌مان کار کنند. این باید در اولویت و مساله اول سیاست و روابط خارجی ما قرار بگیرد. بنابراین اگر این برنامه انجام شود، کار می‌تواند با روند بهتری ادامه پیدا کند.

برخی نظریشان این است که نباید گفت‌وگو و توافقی با غرب صورت بگیرد. مساله این است که در این صورت ما با شرق هم نمی‌توانیم کار کنیم. اولویت در شرق، چین و روسیه و ژاپن و کره جنوبی و اندونزی است. اینها کشورهای مهمی هستند. کدام یک از این کشورها یک کار اساسی با ما می‌کند؟ چقدر در همین دولت تلاش شد تا با روسیه کار بزرگی انجام شود. اما رابطه تجاری ما غیر از بخش نظامی با روسیه، به اندازه رابطه با افغانستان است. چرا تلاش نشد؟

راه‌آهن رشت هنوز ناتمام مانده، چون هیچ کشوری برای سرمایه‌گذاری نمی‌آید. علش تحریم است. آنها یک تفکر سیاسی دارند و بر آن استوارند و در مجلس هم بر آن بافتاری می‌کنند. اما مشکلی از کشور حل نمی‌شود. بنابراین عراقچی و پزشکیان راه درستی انتخاب کرده‌اند. وقتی می‌گویند تعادل، یعنی طرف مقابل یک اطمینان نسبی به عمل می‌آورد که طرف ایرانی کار کند. بنابراین این اعتمادسازی باید انجام شود و تحریم‌ها لغو شود. همین گفت‌وگوهایی که در دهه گذشته انجام شده ادامه پیدا کند و به توافق برسیم. امتیاز بگیریم و امتیاز بدیم که بشود یا شرق هم کار کند. حرف من این است که با شرق نمی‌شود کار کرد تا زمانی که تحریم‌ها برداشته شود. خرده‌کاری مشکل اقتصادی مردم را حل نمی‌کند. این کشور بزرگ است. اولویت سیاست خارجی چیزی جز برداشتن تحریم نباشد. سیاسی‌کاری و اینکه ما چه تفکری داریم و باید روی آن بافتاری کنیم درست نیست و باید برای توسعه کشور کنار گذاشت.»

▀▀▀

▀ **حمیدرضا غلام‌زاده: برنامه‌عراقچی مذاکره‌محور است**

غلام‌زاده، کارشناس بین‌الملل معتقد است برنامه ارائه‌شده توسط وزیر پیشنهادهی، نقاط ضعفی دارد که البته تنها محدود به وزیر پیشنهادهی خارجه نیست و در ادوار گذشته نیز سابقه داشته است. غلام‌زاده معتقد است در برنامه ارائه‌شده از جانب وزیر پیشنهادهی، تحول و کارآمدی ویژه‌ای به چشم نمی‌خورد و توضیح داد: «برنامه عراقچی، همان روال مرسوم و معهود و معمول وزارت خارجه در طول این ۴۰ سال است. هیچ اثری از نوآوری و تحول در این رویکرد دیده نمی‌شود. شاید بشود گفت، مهم‌ترین اشکال و نقص و نقطه ضعف در این برنامه همین باشد که هیچ جایگاهی برای تحول و نوآوری لحاظ نکرده است. ضمن اینکه کاملاً بیعتن بر مبنای شرایط سیاسی ساختار و پهنه سیاسی ایران نوشته شده است به این معنی که واژه‌ها جوری چیده و استفاده شده‌اند که در فضای حاکم، بتوانند مسیر خود را باز کنند، جلو ببرد و به نتیجه برسد. استفاده از واژه‌هایی مثل دیپلماسی و میدان و واژه‌سازی با اینها، نشان‌دهنده این است که می‌خواهند همه طرف‌ها را راضی نگه دارند، لذا برای مثال وقتی میدان دیپلماسی در متن داخل گیومه استفاده می‌شود، نشان می‌دهد می‌خواهد تقابلی بین میدان و دیپلماسی که زمانی در ادبیات ظریف استفاده شده بود که البته به تفکر عراقچی هم نزدیک است را جبران کند که برچسب جانبداری از این نگاه به او نچسبد.»

وزارت خارجه تسهیل‌گر دیپلماسی اقتصادی است

غلام‌زاده در ادامه به این موضوع اشاره کرد که توجه به دیپلماسی اقتصادی، اگرچه مهم است اما نباید سیاست خارجی را به اقتصاد گره زد و گفت: «یکی از اولین اشکالاتی که در برنامه دیده می‌شود، پیوند شدیدی بین سیاست خارجی و اقتصاد است. دیپلماسی اقتصادی حوزه مهم و خوبی است اما اینکه بخواید به عنوان مهم‌ترین و اولین دستاورد دیپلماسی خارجی تلقی شود، قطعاً غلط است. رواقع سیاسی و صنعتی که گره‌های اقتصادی پیوند زده می‌شود و این گره‌کشی‌هایی که انجام می‌شود، فضایی که ایجاد می‌کند، همان فضایی که در مذاکرات هسته‌ای داشتیم را تکرار کرده و عملاً دست را در مذاکره خالی می‌کند، چون اولین سیگنالی که طرف مقابل می‌گیرد، این است که اقتصاد ایران به این مذاکرات و پیوندهای سیاست خارجی گره خورده و مشروط به این است و به آن نیاز دارد. پس حتماً از این نظر ضعف دارد. نقش وزارت خارجه در دیپلماسی اقتصادی، نقش تسهیل‌گری است. کم‌اینکه بعدتر در بحث بسترسازی، برای بخش خصوصی و بین‌المللی کردن فضای اقتصادی مطرح شده، اینجا نیز همین تقیصه و اشکال وجود دارد. وزارت خارجه تسهیل‌گر و متولی حوزه صنعت، وزارت صمت است. وزارت خارجه باید به عنوان تسهیل‌گر، در خدمت وزارت صمت، وزارت نفت و وزارتخانه‌های دیگر باشد که فضا و بستر را آماده کند تا آنها بتوانند کار را پیش ببرند.

وظیفه وزارت خارجه تحقق دیپلماسی اقتصادی نیست، بسترسازی و تسهیل دیپلماسی اقتصادی است. بله وزارت خارجه باید فضا ایجاد کرده و فضای مذاکراتی و فضای روابط دیپلماتیک را برقرار کند و بعد از آن، تحقق به عهده وزرای مربوطه است. اما وزارت خارجه اطلاع کافی ندارد که چه حوزه‌ها و اولویت‌هایی داریم و چه توانمندی‌هایی در این حوزه داریم که بخواهد انجام دهد. بله ممکن است در روابط دیپلماتیک، وزارت خارجه

اولویت بندی کند ولی این بخشی از داستان است. کسی که در عمل و میدان دیپلماسی اقتصادی باید فعالیت کند، بر فرض وزارت صمت یا وزارتخانه دیگری است. آنها ابزار را دارند. فرض کنید در کشورهای همسایه، همان‌طور که در متن اشاره شده، بخواهید در بستر دیپلماسی اقتصادی کاری انجام دهید. آن کار را چه کسی می‌تواند انجام دهد؟ وزارت خارجه که خودش توان ندارد، دسترسی‌ها و اطلاعات را هم ندارد. آن کسی که باید این کار کند و تخصص دارد و به او مربوط است، او می‌گوید من در چه حوزه‌ای این اقدام را انجام دهم، برای مثال می‌توانم پالایشگاه بزنم، مترو بسازم، ساخت‌وساز کنم و شهر بسازم. این جایی است که ما را نگران می‌کند و نگاهی که به برنامه و عملیات اقتصادی دارد، نگاه عملیاتی و واقعی نباشد. البته نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که این رویکرد در وزارت خارجه عموماً وجود داشته و صرفاً نقص برنامه‌ریزی عراقچی نیست ولی ایشان نیز تابع همان روال مرسوم است و نقطه ضعف آن را اینجا می‌بینم.»

خبری از توجه به دیپلماسی عمومی نیست

غلام‌زاده معتقد است بعضی از تعابیر به کار برده شده در متن در راستای راضی نگه داشتن همه مطرح شده است و در این مورد توضیح داد: «در ادامه متن تعابیری مثل مدیریت تخصص با ایالات متحده آمریکا هم آمده است. وی بعدتر به مذاکره اشاره می‌کنند، ولی این همان نگاه کد خدم‌محوری است که روحانی و طرف هم داشتند. مدیریت تخصص با ایالات متحده یعنی ما برویم با آمریکا مذاکره کرده و آن را حل کنیم، که بتوانیم بقیه موضوعات را حل کنیم، حتی این فراز مقدم بر فرازهای دیگر آمده است، بنابراین می‌شود این تفسیر را درباره آن داشت و دور از انصاف هم به نظر نمی‌رسد. در ادامه اشاره می‌کنند که ترکیب عناصر مادی و معنوی قدرت، قدرت نرم و قدرت سخت و هوشمند را با هم استفاده می‌کنند؛ قدرت هوشمند ترکیب قدرت سخت و نرم است. این واژه‌سازی و فرازسازی در متن به حساب می‌آید و اتفاقاً جایی که باید استفاده کنند، استفاده نکردند. بخش عمده‌ای از ظرفیت دیپلماسی که باید ایجاد شود، در دیپلماسی عمومی می‌گنجد. در این برنامه اثر و توجه جدی به دیپلماسی عمومی و زیرمجموعه‌های آن نمی‌بینیم. بخشی از دیپلماسی اقتصادی در تصویرسازی و بهینه‌سازی و ایجاد تصویر مثبت در روابط با کشورهای دیگر و افکار عمومی کشورهای دیگر است که آنجا بازار ایجاد شود. اگر بعضی از برندگان ما در عراق می‌فرشند، صادرات انجام می‌دهند، تصویری است و دیدیم که در همین کشور عراق گاهی تصویر ایران مخدوش شده و با شیطنت‌هایی که انجام شده به بخش خصوصی هم حمله کرده و محصولات آن را تحریم کرده‌اند یا محصولات آن را دور ریخته‌اند یا بیلبوردها و تبلیغات آن را زین برده‌اند. لذا پیوند جدی بین دیپلماسی عمومی و دیپلماسی اقتصادی وجود دارد و این شاید جدی‌تر از دیپلماسی رسمی است که وزارت خارجه بخواید آن را پیش ببرد. دعرض همان رویکرد سنتی حاکم است که احساس قایتی با سازمان فرهنگ و ارتباطات می‌کند که متولی دیپلماسی فرهنگی مااست. چیزی که در برنامه می‌بینیم این است که عملاً وزارت خارجه می‌خواهد همان رقابت سنتی غلط را پیش بگیرد و از آن خود کند مثل آموزش زبان فارسی و گسترش روابط فرهنگی. اما باید توجه داشت که برای آن متولی تعریف شده و اتفاقاً با توجه به این موارد وزارت خارجه باید صرفاً تسهیل‌گر باشد و کار به سازمان فرهنگ و ارتباطات سپرده شود و از موازی‌کاری پیشگیری شود.»

غلام‌زاده در ادامه به این موضوع اشاره کرد تفکیک‌هایی که در برنامه انجام شده، بی‌معنی است و در ادامه گفت: «در بخشی که دیپلماسی غیررسمی ازجمله دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی را مطرح می‌کنند، می‌توان گفت تخصیص و تفکیک‌هایی که انجام می‌شود بی‌معنی بوده و مشخص است که حرف‌های شعاری زده می‌شود و عاری از نگاه تخصصی است. بعضی از اینها هم‌پوشانی دارند، برخی زیرمجموعه یکدیگر هستند و این نگران‌کننده است و یکی از بخش‌های منفی برنامه عراقچی است. اشاره‌ای هم به استفاده از زنان و اقوام در پست‌های دیپلماتیک دارند، باز این هم کلیشه فکری غلطی است که ظریف در شورای راهبردی پیش برد، به نتیجه هم نرسید و غیرکاربردی بودن آن را دیدند و اتفاقاً تمرکز روی این موضوع در وزارت خارجه جزء غلط‌ترین کارها به لحاظ دیپلماسی عمومی است، چون عملاً این سیگنال را می‌دهد که ما به این اقتدار ارجحیت داریم و می‌خواهیم برای آنها امتیاز مثبت قائل شویم. در بدوامر این استفاده غلط است و نقض غرض است.»

استفاده از دیپلماسی ۳ قوه، نقطه قوت برنامه وزیر پیشنهادی

غلام‌زاده در ادامه به این موضوع اشاره کرد که یکی از نکات مثبت برنامه عراقچی، استفاده از دیپلماسی سران سه قوه است و توضیح داد: «مواردی مثل استفاده از دیپلماسی سران سه قوه و دیپلماسی پارلمانی که در برنامه مطرح شده، نقاط قوت برنامه است. اگر واقعاً به این سمت بروند که از این ظرفیت‌ها به صورت همگرا استفاده کنند، حتماً به سیاست خارجی کشور کمک شایانی می‌کند و نکته خوبی برای دستگاه وزارت خارجه خواهد بود. در مجموع نمی‌شود گفت همه برنامه منفی است اما در مواردی تکرارمواضع ظریف و نفرات قبلی است و خیلی اولویت‌بندی، متفاوت و متمایزی در برنامه‌های عراقچی دیده نمی‌شود. حتی اشاره‌ای که به امنیتی‌سازی می‌کنند باز همان ادبیاتی است که توامان، ظریف و عراقچی داشتند. نقص جدی برنامه این است که توجه جدی به تعدد و تکرر سبب دیپلماسی ما نشده است. دیپلماسی ما متناسبانه منفعت‌ا است یعنی حرف‌هایی درباره ما زده وقتارهایی در مورد ما ایجاد می‌شود و آن ورود می‌کنیم و پاسخ می‌دهیم، در حالی‌که باید فعالانه جلو برود. دیپلماسی فعال دستگاهی است که نسبت خود را با کشورهای مختلف مشخص کرده باشد، چون دیپلماسی تنها دو جانبه نیست، اگر ما روابطی با کشورهای دیگر داریم، کشورهایی هستند که آنها هم نسبت به روابط ما با همسایگان مان حساس هستند و برای آنها مهم است.»

▀▀▀

▀ **حسن بهشتی‌پور: آنچه عراقچی ارائه داد، دکترین سیاست خارجی است**

بهشتی‌پور معتقد است با توجه به زمان کمی که عباس عراقچی برای ارائه برنامه داشته، برنامه منظم و مدونی ارائه داده است. او البته در ادامه اشاره می‌کند آنچه وزیر پیشنهادهی منتشر کرده نه برنامه که یک دکترین سیاست خارجی است. او ابتدا دربارهٔ برنامه وزیر پیشنهادهی وزارت خارجه گفت: «در این فرصت کمی که ایشان برای این برنامه داشته و در یکی دو ماه اخیر روی آن کار کرده، متن خوب و منسجمی را ارائه کرد. عراقچی مجموعه مواردی که معمولاً در این سال‌ها در سیاست خارجی ایران روی آن تأکید می‌شود را به صورت منسجم در کنار هم چیده است. می‌توان گفت عراقچی به جای برنامه برای سیاست خارجه یک دکترین سیاست خارجه نوشته و ارائه داده است.»

وزارت خارجه؛ نخ تسبیح بین ارگان‌ها

بهشتی‌پور در ادامه به این موضوع اشاره کرد آنچه عباس عراقچی ارائه داده دکترین است نه یک برنامه و درباره تفاوت آن دو با یکدیگر توضیح داد: «فرق بین دکترین و برنامه سیاست خارجه از نظر من این است که در دکترین سیاست خارجی، کشورها می‌گویند آرمان‌ها و ایده‌ها و اهداف‌شان چیست و می‌خواهند به کجا برسند و دوزنمایی‌ه که در نظرشان است را با ذکر اولویت‌هایشان مطرح می‌کنند اما در برنامه‌ها معمولاً تمرکز بر چگونگی رسیدن به این آرمان‌ها و اهدافی است که مشخص شده است. به نظر من متن بسیار فاخر خوبی نوشته شده اما سوال اینجاست چگونه می‌شود این مواردی که عراقچی مطرح کرده را اجرایی کرد؟ البته من امیدوارم با آن مدیریت خوبی که من از عراقچی سراغ دارم، بتواند این دکترین سیاست خارجی را اجرا کند. خردشان هم می‌دانند که این به تنهایی نمی‌شود و کل نظام باید بسیج شوند. یعنی هم وزارت خارجه، هم اطلاعات و هم نیروهای قدس سپاه و هر نهادی مانند سازمان فرهنگ و ارتباطات که هم بخش بین‌الملل دارد، همه باید به دولت و عراقچی کمک کنند و این با هم افزایی و هماهنگی خوب به دست می‌آید. متأسفانه یکی از ضعف‌های ما در دولت‌های پیشین این بوده که نه‌تنها این هم‌افزایی در دولت‌های پیشین نبوده، بلکه یکدیگر را خنثی کرده‌اند. وزارت خارجه اینجا باید مانند نخ تسبیح بین این ارگان‌ها عمل کند.»

همراهی سیاست تعاملی و تقابلی در برنامه وزیر پیشنهادی

بهشتی‌پور در ادامه به این موضوع اشاره کرد که عباس عراقچی به همه ابعاد قدرت در برنامه‌اش توجه کرده و گفت: «عراقچی هم به قدرت نرم و هم به قدرت سخت و هم به قدرت هوشمند توجه کرده. حواسش به بعد رسانه‌ای و دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی بوده و تفاوت اینها را بسیار خوب تشخیص داده است. نشان می‌دهد به آنچه که نوشته کاملاً اشرف. فقط امیدوارم امکانات کشور را خوب بسیج کند. وزارت خارجه جلوتر از این اهداف و اولویت‌ها شود تا به آنها برسد. اگر در چهارسال آینده ۷۰درصد این مجموعه‌ای که مطرح شده انجام شود، به نظر من کشور پیشرفت بسیار خوبی خواهد داشت. چون هم به بحث اقتصادی سیاست خارجه توجه داشته، هم اولویت به همسایگان را توجه کرده، هم مباحث مربوط به رابطه متوازن با چین، روسیه و هند و از این طریق بااروپا و مجموعه کشورهای را با دید واقع‌بینانه توجه کرده و نشان می‌دهد که ایشان هم سیاست تعاملی را قبول دارد و هم سیاست تقابلی. یعنی جایی که باید سیاست تعاملی داشت، تعامل خواهند کرد و جایی که باید سیاست تقابلی داشت، تقابل را درپیش می‌گیرند. قیفا چیزی که در این دکترین سیاست خارجه می‌شود دید یک نگاه واقع‌بینانه و براساس امر واقع است، نه آنچه که صرفاً در تخیلات ماست. اینکه ما دنبال یک چیز خوب باشیم کفایت نمی‌کند بلکه باید ببینیم آن چیز خوب در عالم واقع چقدر قابل دسترسی است و چطور می‌شود به آن رسید.

یک دیپلمات خوب دیپلماسی است که برای رسیدن به اهدافی که مشخص شده برنامه‌ریزی کند. تمامی آن هم برگرفته از قانون اساسی و صحبت‌های مقام‌معمز رهبری و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی است. تاحدی که بنده ملاحظه کردم تمامی اسناد بالادستی در این برنامه لحاظ شده است. من معتقدم چیزی که عراقچی نوشته برنامه نیست. خیلی‌ها در مجلس به چیزهایی که می‌گویند برنامه همان اهداف و سیاست‌ها و رویکردهاست اما من معتقدم برنامه یعنی چگونّه به این سیاست‌ها برسید و چگونه اجرایش کنید. برای همین تعریف برنامه در ذهن من این تویان است. بنده درکم از و در مجلس شورای اسلامی مطرح می‌شود، متفاوت است. بنده درکم از برنامه یعنی اینکه شما چیزی می‌نویسید که در آن مشخص می‌کند قرار است چگونه به این اهداف، سیاست‌گذاری‌ها و اولویت‌ها طی یک‌سال آینده یا دوسال آینده یا چهارسال آینده دست پیدا کنید. یعنی اگر وزیری آمد و گفت در ۴ سال آینده به یک، دو، سه و چهار هدف با این راه‌کارها قرار است برسم، اسم این برنامه است. اما در کل چیزهایی که تحت عنوان برنامه توسط وزرای پیشنهادهی محترم به مجلس معرفی می‌شود، ازجمله توسط وزیر پیشنهادهی سیاست خارجه، سیاست و اولویت‌هاست نه برنامه. برنامه، راه‌های رسیدن به آنهاست. برای همین انتقادی که داریم این است که خلاقیت خاصی داشته باشد در راه‌کارها و روش‌های رسیدن و تاکتیک‌ها، نه اهداف که آن را هنوز ندیده‌ایم.»

دیپلماسی بدون مذاکره بی‌معنی است

بهشتی‌پور در ادامه به این موضوع اشاره کرد که مشی عراقچی در راستای سیاست‌های نظام حکمرانی است و گفت: «مسیر عراقچی برخلاف چیزی که برخی روزنامه‌های رسانه‌های مخالف ایشان می‌گویند، مشی نظام جمهوری اسلامی ایران است. سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران از سوی شورای عالی امنیت ملی و شخص خود رهبری تعیین می‌شود. کسی نمی‌تواند در ایران چه آقای ظریف، چه آقای عراقچی باشد، به شکل شخصی در مورد این موضوعات تصمیم بگیرد. مثلاً مذاکره کنیم یا نکنیم یا راجع به چیزی توافق کنیم یا نکنیم. من در این ۴۰ سالی که بررسی کردم، می‌توانم بگویم هیچ فردی در جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند چنین تصمیماتی را به شکل انفرادی بگیرد. اینها برگرفته از برآیند کارشناسی اش شورای عالی امنیت ملی است. شورا هم وقتی تصویب کرد باز هم طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی تصمیم‌گیرنده مقام‌معمز رهبری است که حرف نهایی را می‌زند. وقتی ایشان تأیید کردند دیگر لازم‌الاجرامی‌شود. بنابراین من مطمئنم عراقچی حتماً دنبال مذاکره خواهد رفت. مذاکره کردن هم تصمیم‌گیری‌اش از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود نه شخص عراقچی یا پزشکیان یا فرد دیگری. لذا من فکر می‌کنم برای پایان دادن به تحریم‌ها ما راهی به جز مذاکره نداریم. ما باید هم‌زمان هم قدرت اقتصادی، هم قدرت هسته‌ای، هم قدرت علمی و هم قدرت نظامی خود را در همه ابعاد بالا ببریم. اما برای پایان دادن به تحریم‌ها چیزی جز مذاکره وجود ندارد. شما فرض کنید اقتصاد ایران بسیار هم شکوفا شد اما باز هم باید تحریم‌ها با پایان بدهیم. این‌طور نیست فکر کنیم در صورت شکوفایی اقتصاد، تحریم‌ها خودبه‌خود پایان می‌یابند. خیر اصلاً این‌طور نیست. رفع تحریم‌ها حتماً نیاز به مذاکره دارد اما مذاکره می‌تواند از موضع قدرت و اکتا به توان اقتصادی و توان هسته‌ای و دفاعی و علمی و نفوذ فرهنگی و منطقه‌ای ادامه پیدا کند که همه اینها در نوشته‌های عراقچی وجود دارد. اما متأسفانه تا اسم مذاکره به میان می‌آید عده‌ای کهپیر می‌زنند. فکر می‌کنند مذاکره یعنی سازش. خیر، اگر از دیپلماسی مذاکره را بگیری مثل این است که به کسی بگویی برو داخل استخر ولی ششنا نکن. دیپلماسی بدون مذاکره معنایی ندارد. فقط شما می‌توانی بگویی آقای مذاکره‌کننده شما باید از موضع قدرت مذاکره کنی. نباید سازش کنی. نباید وادادگی داشته باشی. این حرف‌ها واقعاً معنا ندارد اما متأسفانه دائم تکرار می‌شود.»

فرهنگ‌یخبگان

فرهنگ‌یخبگان

فرهنگ‌یخبگان

🗓

پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۳

📄

شماره ۹۰۹۴۲

📺

FARHIKHTEGANDAILY.COM

🌐

FARHIKHTEGANONLINE

فرهنگ‌یخبگان